زندگیبادیگران 👠 🧕

صلیب سرخ و هلال احمر با انگیزه و هدف فعالیت داوطلبانه تأسیس شدهاست

و بنیانگذار آن نیز داوطلب بوده است زیرا علت ایجاد این نهاد بشردوستانه

داوطلب محوری است و ادامه و بُقای آن

نیز به داوطلـب محور بودن بســتگی دارد. اگر در یــک جمعیت (هلال احمــر) به همه

موضوعات جامعه پرداخته شود (چه مرتبط و چه غیرمرتبط)، اما به موضوع

علت ایجاد کیه همانا محوریت داوطلبان

ادامه و استمرار آن جمعیت دچار اشکال و

اغتشاش در عملکرد خواهد بود و دیگر نباید اختساس در عملارد صویح و ارایه خدمات مفید، انتظار عملکرد صحیح و ارایه خدمات مفید، موثر و مرتبط بـا علت ایجاد خـود را تولید کند، به همان سرنوشـت حزب، فدراسیون

کند، به همان سرنوشت حزب، فُدراسیون و تشکیلات مذهبی که توصیف آن در بالا

ار ایه شد، دچار میشود. هر گاه تمام فعالیت در غیرحوزه خود و غیرهدف خود و خارج از

موضوع خود صرف شود، بقای آن در معرض

هماکنون با توجه به مردمی بودن جمعیت و تأکید ماده ۲۲ اساسنامه جمعیت مبنی بر خدمات داوطلبانه و افتخاری، سازو کار این

موضوع بــاً انتخاب اعضاى شــوراي اجرايي در شهرستان توسط مجمع شهرستان و

همچنین هیاتمدیره اســتان توسط مجمع اســتان و انتخــاب شــورایعالی جمعیت ا جانب مجمع عمومي علىالقاعده بايد فضاي

۱ - سازوکار مناسب برای انجام فعالیت

داوطلبانه وجود ندارد بنابراین از ظرفیت و

استعداد داوطلبان استفاده بهینه نمی شود. ۲-بیسش از این که به داوطلب ارزش

فعالیت داوطلبان صورت نگرفته و تاکنون

داوطلبـــی در جمعیت به امــور حمایتی و...

بـش از تأکیـد بـه نهادینهسـازی امـور

نیبانیهای رسمی متکی بوده اس

و بها داده شود، بــه سيس

۳- نهادســازی مناســـ

د داوطلـب و داوطلب عمومی جمعیت نمود داوطلب و داوطلب محوری باشد. لیکن به دلایل زیر این اتفاق

تم دولتـــی و

و فعالیت داوطلبانه اســت تُوجه نشـ

جهان بهتر





دنبال چُیست؟ کمتر کسی است که در کنار تمام گمشدههای زندگی، از آرامسش نام نبرد. آدمی با هـر موقعیت، امکانات و با هر سـطح از رفاه، همیشـه در پی آرامش بــُوده وُ گویی اینُ ر کر کر کرانی کی کا خواسته به همین سادگی ها به دست نمی آید، چون کمتر کسی است که وقتی از او سوال شود

اً رامش دارد، به این سوال، پاسخ مثبت دُهد. این مقدمـه می تواند بـه ما کمک کنــد تا از زاویهای عام درباره جهان بهتر سخن بگوییم. بر همین اســاس، جهان بهتر جایی است که در آن بشــر در صلح، آرامش و در کمال آزادی زندگی کند. من در طول زندگی خود، آموختهام جهانم سبُ با الگُوي خود بسازم و هرجا و در هر شرايطي كه هستم، متناسب با فضا الگوسازي رت کی کنے و به عنےوان بازیگری کے در آن موقعیت نقشى برعهده دارد، نقشىم را به بهترين شكل ی رو کی برای کنیم. من بـه دانشــجویان خود ممکن بــازی کنــم. من بــه دانشــجویان خود آموختــه ام، در لحظه زندگی کننــد و در طول تمام لحظاتی که تدریس می کنگم، تمام دقایقش را زندگی می کنم، شاید این، آموزهای ساده باشد که انسـان با اطلاع از آن، همیشه در هیاهــوی زندگی، از یاد میبرد. بشــر همیشــه

در پی این بوده که فضای راحتمی برای زندگی ر پی یاں .ر کردن بیابد، غافل از این که این فضا ساختنی ست، نه بافتند!

محیط و مقولهٔ سلامت. در جهان امروز که همه ما به

وعيى داعيهدار پيشرفته

بوُدن آن هستيم، پيشگيري

مهم تـر از درمـان اسـت و

متاسفانه بشر امروز با علم به این مقوله همیشه بعداز

پیشامد مسائل در پی درمان برمی آید. بشر امروزه قدردان

داشته هایش نیست و از یے

ژاین بیاورند.

۔ جنبه دیگری که امبروزه در دنیا باید به آن توجه ويژه شود، مسأله بهداشت است؛ البته ر. ر... بهداشت در همه ابعاد آن، چه بهداشت روانی و چه بهداشت

ماانسانهازنجيرواربههم متصل هستیم و هر کدامازما وظیفه داریم به دیگران محبت كنيهوابن عمل حتمادر زندگیماباز تابخواهدداش سىمى توان ابن گونه گفت كه پس کدام از مابایدمبلغ عشق و هم نوع دوستی باشیم

این قدرندانی است که این گونــه ناجوانمردانه در پی تخریب محیط زیست خود است و با این ر پی تعریف دیایی را که قرار است جهان بهتری برای زیست او و نسلهای بعدش باشد، آلوده می کند. یکی از دلایسل این همه ظلم بشسر به خود و همنوعاش، فقر فرهنگی و نداشتن دانش

و همان طور نه همه ما ساهدیم، هر روز در هر گوشه از جهان، دلیلی بیرای بـه راه انداختن جنگ پیدا می کننـد و به نام حقوق بشر، حقوق اولیه آدمها را پایمال می کنند. را پایمال می کنند. هر یک از ما برای روشنگری آمدهاییم و بایید بیا دانش و

ر کنیم و بشر امروزی با جهلش حتی در ابعاد کوچکتر مانند

... همه این موارد ما را باید به این ســو سوق دهد

است. متاسفانه فقر فرهنگی در تمامی ابعاد خود کاملا مشهود است و این معضّل در جوامع و تصدر مسهود می زند، البته در پشت پــرده این مســائل، کسانی هســتند که تنها به منافع خود مے اندیشــند و همان طور که همه ما شــاهدیم،

تواناییهایمان زوایایی از زندگی را برای دیگران روشن

روا می دارد. ما آدم ها نسبت به هم شیناخت نداریم و این عدم شناخت و جدا دانستن دیگران از خُود باعث این همه وحشُــیگری و ظلم به هم شده است. ما آدمها دچار خودخواهیهایی هم شدهایی.

که جهانی دیگر بسازیم، جهانی بهتر! برای ساختن جهانی بهتر بایـد آمـوزش را از آغاز راه تربیت شــروع کنیم، چون تربیت بیشترین سهم را در انسانسازی برعهده دارد و اگر تعالیم درست انجام شود، می توانیم در آینده شاهد انسانهای توانمند باشیم. البته در این تعالیم باید به انسان آموخته شود که آزاده باشد، در

این تعالیـــم بایـــدُ بزر گترینُ بخشُ به عشــق وُ دوســت داشــتن اختصاص بیابد. عشــقورزی به جهان و بشــريت پلى اســت براى رسيدن به به بههن و بستریت پخی است بری رسیدن به جهان بهتر. شاید چنین تصور شود که این گونه نگریستن به دنیا آرمانگرایانه و ایدهآلیست باشد اما هر کدام از ما این تجربه را داشته ایم که در هر لحظه ای که به کار و شرایطی که در آن بوده ایم، عشــق ورزیدیم، بهترین حس را تجربه کر دهایم و هرچه در این وادی بیشــتر پیش برویم، حس

دستاورد توسعه علوم انساني براي بشر چیست؟ توسعه علوم انسانی مبتنی بر تربیت افراد،

مبتنی بر خرد و عقل گرایی و بردباری است؛ نربیت انسانهای مدرن که بـ ه جای مبارزه

فيزيكي به مبارزه فكري و عقلاني مي پردازند.

در عمدان توسطه انسطایی ۵۰ دانوان خواهیم بود که نهادها و سیازمانها و موسسیات خود

رًا مدرن کنیم و افراد مدرن را در رقابت سالُم به کار گیریم و شـاهد به قدرت رسیدن افراد شایسته و با استعداد باشیم؛ انسانهایی که

عه انس

ے ر ــانی، ما ناتوان -

عادتمند و مفید بودن را بیشتر تجربه خواهیم خانواده به همنوع خود ظلم کرد. ما انســانها زنجیروار به هم متصل هستیم و هر کدام از ما وظیفه داریــم به دیگران محبت گُنیَّم و این عمل حتماً در زندگی مَا بازتاب خواهد داشت. پس می توان این گونه گفت که هر کدام از ما باید مبلغ عشـق و همنوع دوستی

. ـر يــک از آن جوامع بنا بــه ميزان

ی ر من به تجربه کشورهای دیگر کاری ندارم. ولی میدانیم و میدانید هیسچ بنایی و هیچ کاری نباید از اهداف و علت اولیه خود دور شود. علت ایجاد هر پدیده در جهان هستی، علت بقاي أن نيز خواهد بود.

عت بعدی این سرخواهد بود. مثلا فدراسیون فوتبال برای گسترش و پیشرفت فوتبال بنا شده است یعنی علت ایجاد آن، علت بقای آن نیز محسوب می شـود. هر گاه فدراسـیون فوتبال از علت ایجادش که فوتبال بوده دور شود علت بقای

ت. تا از دست می دهد. خود را نیز از دست می دهد. مثال های زیادی می شود آورد که نشان دهنده رابطه علت «ایجاد» و علت «بقا»ی هـر موضـوع و پدیـده هسـتند. مثـال دیگـر؛ حزبـی را در نظـر بگیرید که تشـکیل شـده اسـت. میدانیم که حـزب در ترمینولـوژی سیاسـی گسـترش مشـارکت مدنـی و ۔ کسب قدرت از طرق مشروع را مدنظر دارد. اگـر حزبـی پیـدا شـود کـه بگوید ر ر . ی پر برای قدرت مشروع فعالیت نمی کند، یا قدرت مشروع را به رسیمیت نمی شناسند در حقیقیت با علیت ایجیاد خیود میارزه ناخواسته می کند؛ به همین دلیل نُمی تواُنْ بقای خود را تحکیم کند، زیرا علت ایجاد

مثال دیگے این کے تصور کنے یک

## اشكال كار كجاست؟

محمدحسن يزدان پناه رئيس اداره استان ها درج

همه میدانیم که فعالیت انسان دوستانه به ازای قدمت انسان و انسانیت واقعیت . وجودی دارد. جامعهای پیدا نمی کنیم که انسان و انسانیت با خدمات انسان دوستانه سر و کار نداشته باشد.

توسعه و تفکرات پیشرفته فضای مربوط به این موضّوع را نیز با توجه به توانایی های بالقوه و بالفعل همان جامعه در خود به نیکی پاس داشته است. میدانیم که ۔ معیت صلیب سرخ را یک داوطلب بنا نهاد. هم او بود که این جمعیت بشر دوستانه را در سراســر جهان عینیت بخشید و به دلیل خیری کــه در ایــن موجودیت بــود هر روز ترش می یابد و به طرفداران آن افزوده

حزب با علت بقای آن متناقض و در تعارض

۴- شكل سيا: ماندهي اعضا و داوطليان ا:



## اسماعیل قدیمی، جامعه شناس در گفت و گوبا «شهر وند» مطرح کرد: توسعه، گذرگاه همدلی و همکاری در کشور

ادامه از صفحه ۹ | به نظر من حتى در این که ما در مهندسی و پزشکی پیشرفتها و حرفی بسرای گفتس داریم هم، متاسفانه هیچ نوع تولید تکنولوژیک نداریم. درواقع ضعف در توسعه علوم انسانی باعث می شود که انســان های ما قابل رقابت و دارای ظرفیت رقابت در دنیای امروز نباشند.

علوم انسانی زیربنای پیشــرفت علوم دیگر است. اگر توسعه انسانی به وجود نیاید و دانشگاههای علـوم انسانی و اجتماعـی که امـروز مصرف کننـده تئوری هـای غرب ررز هستند و هیسج کارایسی و اثر گذاری در گوشهای از جامعه ندارند، متحول نشوند هم ری رکی پیشرفتهای علمی صوری در عرصههای مهندسی و پزشکی اغلب فردی تلقی میشود و نمی تــواُن اُن را توســعه فُکــری و جمعــیُ دانســت. مثـــلا مــا در کشــور، مهندسهای خوبی داریم اما به راحتی می توانیم آنها را از دست بدهیم تا به خارج مهاجرت کنند. پس چیزی که در این حوزه ضروری به نظر بیرسد باز تعریف ساختار دانشگاههای کشور . ـت. اگر اس ی ر بر ر... نر حوزه علوم اجتماعی اس در حوزه علوم اجتماعی است. اگر استفلال علمی به معنای واقعی ایجاد نکنیم و استقلال حرفهای دانشـگاهها را به رسمیت نشناسیم، و در عوض ما در هيچ محفل علمي بين المللي

و در خوس ند در نمیج ند مین مسی بین مسی جایگاه و مقامی نداریم. با این حساب اگر بخواهیــم در دنیای . ین حساب الا بخواهیم در دنیای مدرن امروز، حرفی برای گفتن داشته باشیم، آیا سرمایه گذاری در علوم انسانی ریشهای ترین کار محسوب میشود؟

ـ ــا همین طور اســت. منظور از توســ

ملوم انسانی پیشرفت در همه بنیانهای

در این حال، فرهنگ دیگر تکیه بر ارزشهای سسنتی ندارد و رقابت در عرصههای جهانی را

استبدادی بود تبدیل به جامعهای شد که قدرت به نهادهای اجتماعی رسید و براساس دستاوردهای علمی غربیها، نهادسازی کرد. اینطـور است که تعـولات سیاسـی ایجاد اینطـور اسـت که تحـولات سیاسـی ایجاد میشود و استقلال فرهنگی به وجود می آید؛

علوم انسانی سرمایه گذاری کنیم تا تفکیک

قوا را بپذیریم، عرصههای سیاست و اقتصاد جامعه است. ژاپن نیروهای انسانی خود را و فُرهنگ و اجتماع را از هم جــدا بدانیم. من اخیرا مطالعهای کردم از کتاب آقای بشــیریه . به کشــورهای خارج فرســتاد و مامور آخرین دسستاوردهای علمی خارجی را برای اخیرا مطالعهای کردم از کتاب آقای بشیریه که عنــوان کرده بــود، در کشــورهایی که در مسیر توسعه حرکت کردهاند، بین عرصههای مختلف سیاســت و فرهنگ و اجتماع، نوعی رپی بیورسه. در این کشور تحول سیاسی وقتی رخ داد که امپراتور ژاپن داوطلبانیه قدرت خود را به

همدلــی و همــکارُی ُو اســتقُلال حرفــهُای به وجود آمده اســت. مطالعه نشان داده است نهادهای مُدنی تبدیل کرد. امپراتــوریای کــه کامــلا ســ همدلنی و همخاری و استغلال حرفشهی به وجود آمده است. مطالعه نشان داده است که در کشوری که استقلال سیاسی ندارد، به هیچ وجه امکان رشند فرهنگی وجود ندارد. چنون عرصههای فرهنگیی هنم در انحصار و سرمایه قرار می گیرند.

مثال ژاپئن نمونهٔ بسیار خوبی اس منان رئیس نمونه بستیار عوبی است که الگوهای غرب را می گیرد، استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ می کند و الگوهای بازار آزاد و سرمایه گذاران خارجی را هم می پذیرد. ر ر ر ... به اعتقاد من این پیشــرفتها هما توسعه علوم انسانی اتفاق می افتد.

ظرفیت فُکسری دارند و نهادهای حوزههای مختلف را متحول مي كنند. كلام آخر اين كه بــدون رقابت پیشــرفت معنی نــدارد. بدون تحولات نهادی و بدون همکاریجویی و کنار گذاشتن تعصبات و خشونت و بدون تفاهم و تساهل فکری، ما در توسعه علمی به جایی

ه همـان علت ادامه فعاليـت برايش مقدور ر ۱۰۰۰ برد. این عدم امکان فعالیت به معنی غیرفعال

فعاليت بوده است فاصله گرفته است. اگر به جای معنویت به معاملات خرید و فروش زمین و ... بپردازند دیگر وجود معنویت در تعریف آن نمی گنجد. به همین ترتیب فعاليت در هلال احمر نيز از همان قاعده

تشکیلات مذهبی برای گســترش مذهبی ایجــاد روحیه مذهبی و نگــرش مذهبی جوانان ایجاد شــده باشــد امــا فعالیتهای آن خارج از چارچوب علت ایجادش باشــد،

ـــر کی ــر کی ـــر کی ــــر کی ــــر کی ـــر کی ــــر کی ـــــر کی ــــر کی ــــر کی ــــــر کی ــــــر کی ـــــر کی ــــر کی ــــــر کی ــــر کی ـــــر کی ـــــــر کی ــــــــ فعالیت بوده است اکر فقه است. اگر در فدراسیون فوتبال به جای فوتبال به معامسات ماکسی و در تشکیلات جزیی به جای گسترش مشار کنت مدنی، به دنبال از دو بند سیاسی باشند، دیگر نه مدنیتی خواهد بود و نه مشروصینی و هکاد از تشکیلات مذهبی که علت ایجاد آن معنویت بوده، پیروی می کند.

است که هنگام فقدان وجود سازمان در یک تشکیلات اغتشاش عملکرد و دوری از اهداف و وظیفه اصلی، پیامد آن خواهد بود. مبرهن اُست که هنگام مواجهه با مسائل داوطلبسی قطعا نیاز به سازمان دهی ویژه و رسیسی از عوامل موققیت خواهد بود. ۵- فقدان پژوهشهای لازم و مناسب که دلایل و عوامل انگیزش در داوطلب را بررسی کند و راهکارهای علمی و پژوهش شده را

سد و راهنارهای علمی و پروهس سده را در اختیار قرار دهد. ۶- نداشتن برنامه عملیاتی برای حضور اعضا و داوطلبان در فرآیند خدمات

داوطلبانه اداري.

٧-اما بــا تمام این تفاســیر فرهنگ مردم ــور مــا حضــور پرشــور در برنامههای داوطلبانه بسوده و خواهد بسود. برای همین اسست که در طسول ایسام نسوروز داوطلبان هلال احمر در جادهها و پایگاههای هلال احمر مشغول به انجام فعالیت هستند؛ اگرچه همین نیز نیاز به کنکاش و ارتقا دارد.